

## واکاوی مؤلفه‌های توانایی‌های شناختی و تبیین نقش هوش هیجانی در انگیزه پیشرفت و شادکامی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه: یک مطالعه آمیخته

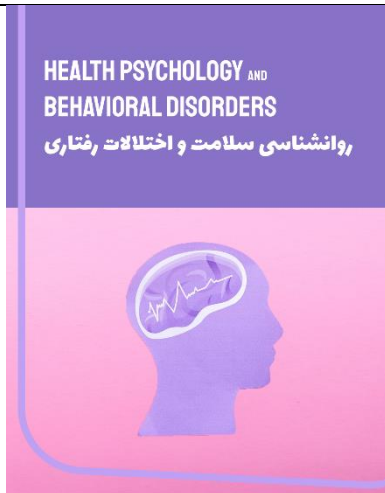
تاریخ چاپ نهایی: ۱۴۰۵/۰۹/۰۱

تاریخ چاپ اولیه: ۱۴۰۵/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۱۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵

HEALTH PSYCHOLOGY AND  
BEHAVIORAL DISORDERS

روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری

### چکیده

هدف این پژوهش شناسایی مؤلفه‌های توانایی‌های شناختی و تبیین نقش هوش هیجانی در انگیزه پیشرفت و شادکامی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه بود. پژوهش حاضر با رویکرد آمیخته اکتشافی متوالی (کیفی-کمی) انجام شد. در بخش کیفی، با ۱۵ نفر از اساتید و خبرگان آموزش و پرورش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت و داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قراردادی تحلیل شدند. در بخش کمی، روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود که از میان آن‌ها ۱۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن، پرسشنامه توانایی‌های شناختی نجاتی، پرسشنامه انگیزه پیشرفت هارتر و پرسشنامه شادکامی آکسفورد بود. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و تحلیل واریانس در نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. نتایج بخش کیفی منجر به استخراج ۲۰ کد اولیه و طبقه‌بندی آن‌ها در چهار مؤلفه اصلی شامل توجه و پردازش اطلاعات، حافظه و درک شناختی، تفکر و استدلال و کارکردهای اجرایی شناخت شد که در میان آن‌ها کارکردهای اجرایی شناخت بیشترین فراوانی را داشت. یافته‌های بخش کمی نشان داد بین توانایی‌های شناختی و شادکامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $r=0.469, p<0.01$ ). همچنین نتایج رگرسیون نشان داد هوش هیجانی توانایی تبیین معنادار واریانس‌های شناختی ( $\eta^2=0.36$ ) و انگیزه پیشرفت ( $\eta^2=0.51$ ) را دارد. علاوه بر این، تأثیر هوش هیجانی بر انگیزه پیشرفت درونی ( $\eta^2=0.54$ ) قوی‌تر از انگیزه پیشرفت بیرونی ( $\eta^2=0.41$ ) بود. یافته‌ها همچنین نشان دادند که هوش هیجانی به‌طور معناداری شادکامی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان داد که هوش هیجانی نقش مهمی در ارتقای توانایی‌های شناختی، انگیزه پیشرفت و شادکامی دانش‌آموزان دارد و می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی و رفاه روان‌شناختی آنان کمک کند. همچنین، کارکردهای اجرایی شناخت به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه توانایی‌های شناختی شناخته شدند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی مدارس با تأکید بر تقویت مهارت‌های شناختی، آموزش هوش هیجانی و توسعه مهارت‌های اجرایی شناخت طراحی و اجرا شوند تا زمینه رشد تحصیلی و روان‌شناختی دانش‌آموزان فراهم گردد.

**کلیدواژه‌گان:** توانایی‌های شناختی، هوش هیجانی، انگیزه پیشرفت، شادکامی، دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه،

کارکردهای اجرایی شناخت

مبینا یاراحمدی<sup>۱</sup>

۱. گروه روان‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

\* ایمیل نویسنده مسئول:

mobinayarahmadi@chmail.ac.ir

**شیوه استناددهی:** یاراحمدی، مبینا. (۱۴۰۵). واکاوی مؤلفه‌های توانایی‌های شناختی و تبیین نقش هوش هیجانی در انگیزه پیشرفت و شادکامی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه: یک مطالعه آمیخته. *روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری*, ۴(۵), ۱۶-۱۹.

# Exploring the Components of Cognitive Abilities and Explaining the Role of Emotional Intelligence in Achievement Motivation and Happiness among Upper Secondary School Students: A Mixed-Methods Study

Submit Date:  
2026-01-25

Revise Date:  
2026-05-08

Accept Date:  
2026-05-10

Initial Publish Date:  
2026-05-28

Final Publish Date:  
2026-11-22

## Abstract

The present study aimed to identify the components of cognitive abilities and explain the role of emotional intelligence in achievement motivation and happiness among upper secondary school students. This study employed an exploratory sequential mixed-methods design. In the qualitative phase, semi-structured interviews were conducted with 15 educational experts and specialists, and the data were analyzed using conventional qualitative content analysis. In the quantitative phase, the study adopted a descriptive-correlational design. The statistical population consisted of all female upper secondary school students in Tehran during the 2023–2024 academic year, from whom 150 participants were selected using cluster random sampling. Data collection instruments included the Bar-On Emotional Intelligence Questionnaire, Nejati's Cognitive Abilities Questionnaire, Harter's Achievement Motivation Questionnaire, and the Oxford Happiness Questionnaire. Data were analyzed using Pearson correlation, multiple regression, and analysis of variance in SPSS software. The qualitative findings resulted in the extraction of 20 initial codes categorized into four major components: attention and information processing, memory and cognitive comprehension, thinking and reasoning, and cognitive executive functions, with cognitive executive functions showing the highest frequency. Quantitative findings indicated a positive and significant relationship between cognitive abilities and happiness ( $r = 0.469$ ,  $p < 0.01$ ). Regression analyses demonstrated that emotional intelligence significantly explained the variance in cognitive abilities ( $\eta^2 = 0.36$ ) and achievement motivation ( $\eta^2 = 0.51$ ). Furthermore, the effect of emotional intelligence on intrinsic achievement motivation ( $\eta^2 = 0.54$ ) was stronger than its effect on extrinsic achievement motivation ( $\eta^2 = 0.41$ ). Emotional intelligence also significantly predicted students' happiness. The findings revealed that emotional intelligence plays a significant role in enhancing cognitive abilities, achievement motivation, and happiness among students and contributes to improving their academic performance and psychological well-being. Cognitive executive functions were identified as the most prominent dimension of cognitive abilities. Therefore, it is recommended that educational programs focus on strengthening cognitive skills, emotional intelligence training, and executive cognitive functions to foster students' academic and psychological development.

**Keywords:** *Cognitive Abilities, Emotional Intelligence, Achievement Motivation, Happiness, Upper Secondary School Students, Cognitive Executive Functions*

HEALTH PSYCHOLOGY  
AND  
BEHAVIORAL DISORDERS

روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری

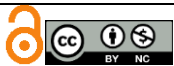


**Mobina Yarahmadi**<sup>1</sup>

1. Department of Psychology, WT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

\*Corresponding Author's Email:  
mobinayarahmadi@chmail.ac.ir

**How to cite:** Yarahmadi, M. (2026). Exploring the Components of Cognitive Abilities and Explaining the Role of Emotional Intelligence in Achievement Motivation and Happiness among Upper Secondary School Students: A Mixed-Methods Study. *Health Psychology and Behavioral Disorders*, 4(5), 1-19.



دوره نوجوانی و به‌ویژه سال‌های تحصیل در دوره دوم متوسطه، یکی از حساس‌ترین مراحل رشد شناختی، هیجانی و اجتماعی انسان محسوب می‌شود. در این دوره، دانش‌آموزان با تحولات گسترده‌ای در ابعاد روان‌شناختی، تحصیلی و ارتباطی مواجه می‌شوند که می‌تواند بر عملکرد تحصیلی، سلامت روان و کیفیت زندگی آنان تأثیر عمیقی بر جای گذارد. موفقیت تحصیلی در این مرحله صرفاً وابسته به توانایی‌های شناختی سنتی نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل شناختی، هیجانی و انگیزشی در تعامل با یکدیگر زمینه پیشرفت یا افت تحصیلی را فراهم می‌کنند. در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران حوزه روان‌شناسی تربیتی به نقش متغیرهایی همچون هوش هیجانی، انگیزه پیشرفت، شادکامی و توانایی‌های شناختی در فرایند یادگیری و موفقیت تحصیلی افزایش یافته است؛ زیرا این عوامل نه تنها بر عملکرد آموزشی دانش‌آموزان اثرگذارند، بلکه می‌توانند بر سازگاری اجتماعی، سلامت روان و کیفیت تعاملات بین‌فردی آنان نیز تأثیر بگذارند (Liu, 2025; Mafi et al., 2025).

توانایی‌های شناختی به مجموعه‌ای از فرایندهای ذهنی شامل توجه، حافظه، درک، استدلال، حل مسئله، تصمیم‌گیری و انعطاف‌پذیری شناختی اشاره دارد که نقش بنیادینی در پردازش اطلاعات و یادگیری ایفا می‌کنند. این توانایی‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا اطلاعات محیطی را سازمان‌دهی کرده، مفاهیم جدید را فراگیرند و در مواجهه با مسائل آموزشی راه‌حل‌های مؤثر ارائه دهند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند دانش‌آموزانی که از توانایی‌های شناختی بالاتری برخوردارند، در تحلیل اطلاعات، تمرکز بر تکالیف آموزشی و مدیریت چالش‌های تحصیلی موفق‌تر عمل می‌کنند (Barreiro, 2023; Sargent, 2022). همچنین، توانایی‌های شناختی می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری باورهای انگیزشی مثبت و افزایش اعتمادبه‌نفس تحصیلی شوند. در همین راستا، نتایج مطالعه زارع زردینی و دهقانی اشکذری نشان داد که میان توانایی‌های شناختی و باورهای انگیزشی دانش‌آموزان در درس ریاضی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و دانش‌آموزانی که از توانایی شناختی بیشتری برخوردارند، نگرش مثبت‌تری نسبت به یادگیری و پیشرفت تحصیلی دارند (Zare Zardini & Dehghani Ashkezari, 2022).

در کنار توانایی‌های شناختی، انگیزه پیشرفت یکی از مهم‌ترین سازه‌های روان‌شناسی تربیتی محسوب می‌شود که نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت تحصیلی و رشد فردی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. انگیزه پیشرفت به تمایل فرد برای دستیابی به موفقیت، غلبه بر موانع و رسیدن به استانداردهای بالاتر عملکرد اشاره دارد. دانش‌آموزانی که از انگیزه پیشرفت بالاتری برخوردارند، معمولاً پشتکار بیشتری در فعالیت‌های آموزشی نشان می‌دهند، در برابر شکست‌ها مقاوم‌تر هستند و تمایل بیشتری به تلاش برای دستیابی به اهداف تحصیلی دارند (Biabangard, 2005). نظریه ذهنیت رشد دوئک بیان می‌کند افرادی که توانایی‌ها و استعدادها را قابل رشد و توسعه می‌دانند، در مقایسه با افرادی که نگرش ثابت نسبت به توانایی‌های خود دارند، انگیزه پیشرفت بیشتری تجربه می‌کنند و در مواجهه با دشواری‌ها عملکرد بهتری دارند (Dweck, 2006). از این منظر، انگیزه پیشرفت نه تنها تحت تأثیر ویژگی‌های شناختی، بلکه تحت تأثیر نگرش‌ها، هیجان‌ها و باورهای فردی نیز قرار دارد.

در دهه‌های اخیر، مفهوم هوش هیجانی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی، سازگاری اجتماعی و سلامت روان مورد توجه گسترده پژوهشگران قرار گرفته است. هوش هیجانی به توانایی فرد در شناسایی، درک، تنظیم و مدیریت هیجان‌های خود و دیگران اشاره دارد و شامل مؤلفه‌هایی همچون خودآگاهی هیجانی، همدلی، مهارت‌های اجتماعی، کنترل تکانه و مدیریت استرس می‌شود. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که دانش‌آموزانی با هوش هیجانی بالاتر، روابط اجتماعی بهتری برقرار می‌کنند، اضطراب کمتری دارند و از انگیزه و عملکرد تحصیلی بالاتری برخوردارند (MacCann et al., 2020; Suleman et al., 2019). فراتحلیل مک‌کان و همکاران نیز نشان داد که هوش هیجانی به‌طور معناداری عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند و می‌تواند در کنار توانایی‌های شناختی نقش مهمی در موفقیت آموزشی ایفا نماید (MacCann et al., 2020).

هوش هیجانی همچنین می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای انگیزه پیشرفت ایفا کند. دانش‌آموزانی که توانایی بیشتری در تنظیم هیجان‌ها و مدیریت استرس دارند، در مواجهه با تکالیف دشوار تحصیلی پایداری بیشتری نشان می‌دهند و اهداف تحصیلی خود را با انگیزه بیشتری دنبال

می‌کنند. پژوهش آریاس و همکاران نشان داد که بین هوش هیجانی و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و دانش‌آموزان دارای هوش هیجانی بالاتر، انگیزش درونی بیشتری برای یادگیری دارند (Arias et al., 2022). همچنین، صبور اسماعیلی و همکاران گزارش کردند که انگیزه پیشرفت نقش میانجی در رابطه بین هوش هیجانی و عملکرد تحصیلی ایفا می‌کند؛ به این معنا که هوش هیجانی از طریق افزایش انگیزه پیشرفت می‌تواند موجب بهبود عملکرد آموزشی شود (Sabour Esmaili et al., 2023). افزون بر این، پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که منابع روان‌شناختی مانند ذهنیت رشد و هوش هیجانی می‌توانند تاب‌آوری تحصیلی دانشجویان را تقویت کرده و آنان را در مقابله با فشارهای آموزشی یاری دهند (Liu, 2025).

شادکامی نیز یکی دیگر از متغیرهای مهم روان‌شناختی است که در سال‌های اخیر به‌عنوان شاخصی از سلامت روان و کیفیت زندگی مورد توجه قرار گرفته است. شادکامی به احساس رضایت از زندگی، تجربه هیجان‌های مثبت و ارزیابی مطلوب فرد از وضعیت روانی خود اشاره دارد. دانش‌آموزان شاد معمولاً نگرش مثبت‌تری نسبت به مدرسه و فرایند یادگیری دارند و در تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های آموزشی مشارکت بیشتری نشان می‌دهند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شادکامی با عملکرد تحصیلی، انگیزه پیشرفت و سلامت روان رابطه مستقیم دارد (Ghahramani et al., 2019; Pourakrami, 2018). در همین راستا، قهرمانی و همکاران گزارش کردند که میان هوش هیجانی و شادکامی دانشجویان علوم پزشکی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و دانشجویانی که توانایی بیشتری در مدیریت هیجان‌های خود دارند، احساس شادمانی بیشتری را تجربه می‌کنند (Ghahramani et al., 2019). همچنین، پوراگرامی نشان داد که هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی می‌توانند شادکامی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه را پیش‌بینی کنند (Pourakrami, 2018).

نقش هوش هیجانی در کاهش اضطراب و حرکت به سوی شادکامی نیز مورد تأکید پژوهشگران قرار گرفته است. مودنی زواره بیان کرد که دانش‌آموزانی با سطح بالاتر هوش هیجانی، توانایی بیشتری در کنترل تنش‌ها و مدیریت فشارهای روانی دارند و این امر می‌تواند به افزایش احساس رضایت و شادکامی آنان منجر شود (Moazzeni Zavareh, 2023). نورالدینی و همکاران نیز نشان دادند آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی موجب افزایش شادکامی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری می‌شود (Nouraldini et al., 2019). این یافته‌ها بیانگر آن است که هوش هیجانی نه تنها بر عملکرد آموزشی، بلکه بر کیفیت زندگی روان‌شناختی افراد نیز اثرگذار است.

از سوی دیگر، عوامل شناختی و هیجانی در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند و نمی‌توان آن‌ها را به‌صورت مجزا بررسی کرد. غفاری و کریمی نشان دادند تنظیم شناختی هیجان و ویژگی‌های هیجانی افراد می‌توانند بر فرسودگی شغلی و عملکرد روان‌شناختی اثرگذار باشند (Ghaffari & Karimi, 2021). این موضوع نشان می‌دهد که فرایندهای شناختی و هیجانی در تمامی مراحل زندگی، از جمله دوران تحصیل، ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند. همچنین، پژوهش‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر نشان داده‌اند که خودکارآمدی، خودپنداره و مهارت‌های بین‌فردی می‌توانند در کنار انگیزه پیشرفت بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیرگذار باشند (Arafah et al., 2020; Emami Moayed, 2013). در مطالعات جدید، پژوهشگران به بررسی نقش ترکیبی متغیرهای شناختی و هیجانی در پیامدهای آموزشی پرداخته‌اند. مافی و همکاران نشان دادند که هوش هیجانی، فرسودگی تحصیلی و ناگویی خلقی در شکل‌گیری پیامدهای تحصیلی دانشجویان نقش تعیین‌کننده دارند (Mafi et al., 2025). همچنین، فاداهونسی و همکاران گزارش کردند که هوش هیجانی تأثیر قابل‌توجهی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه دارد و دانش‌آموزانی که از مهارت‌های هیجانی بالاتری برخوردارند، عملکرد بهتری در درس زیست‌شناسی نشان می‌دهند (Fadahunsi et al., 2025). علیزاده و همکاران نیز رابطه مثبت میان هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی را تأیید کردند (Alizadeh et al., 2025). افزون بر این، پژوهش قنبری و داداشی حاجی نشان داد آموزش فراشناخت می‌تواند انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانشجویان را بهبود بخشد (Ghanbari & Dadashi Haji, 2024). این یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های شناختی و هیجانی می‌تواند زمینه ارتقای عملکرد آموزشی و سلامت روان دانش‌آموزان را فراهم کند.

همچنین، نقش عوامل محیطی و اجتماعی در شکل‌گیری انگیزه پیشرفت و شادکامی دانش‌آموزان قابل توجه است. فانی و غریبی نشان دادند که تعامل مثبت معلم و دانش‌آموز با میانجیگری سلامت روان می‌تواند انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش دهد (Fani & Gharibi, 2024). آذرخوش و همکاران نیز در پژوهش خود گزارش کردند که میان شادکامی، انگیزه پیشرفت و هوش اجتماعی دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند تفاوت معناداری وجود دارد (Azarkhosh et al., 2022). این نتایج نشان می‌دهد که شرایط خانوادگی، اجتماعی و آموزشی می‌توانند در کنار عوامل فردی بر انگیزه، هیجان و عملکرد شناختی دانش‌آموزان اثرگذار باشند. با وجود گسترش پژوهش‌ها در زمینه هوش هیجانی، توانایی‌های شناختی، انگیزه پیشرفت و شادکامی، هنوز خلأهایی در ادبیات پژوهشی مشاهده می‌شود. بخش قابل توجهی از مطالعات پیشین به بررسی دو متغیر به صورت جداگانه پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به بررسی هم‌زمان این سازه‌ها در قالب یک مدل تلفیقی، به‌ویژه در میان دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه، توجه کرده است. همچنین، بسیاری از مطالعات صرفاً از رویکرد کمی استفاده کرده‌اند و ابعاد کیفی و مفهومی توانایی‌های شناختی را کمتر مورد واکاوی قرار داده‌اند. از این رو، استفاده از روش آمیخته می‌تواند درک جامع‌تر و عمیق‌تری از مؤلفه‌های شناختی و نقش هوش هیجانی در انگیزه پیشرفت و شادکامی دانش‌آموزان فراهم سازد. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های توانایی‌های شناختی و تبیین نقش هوش هیجانی در انگیزه پیشرفت و شادکامی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه انجام شد.

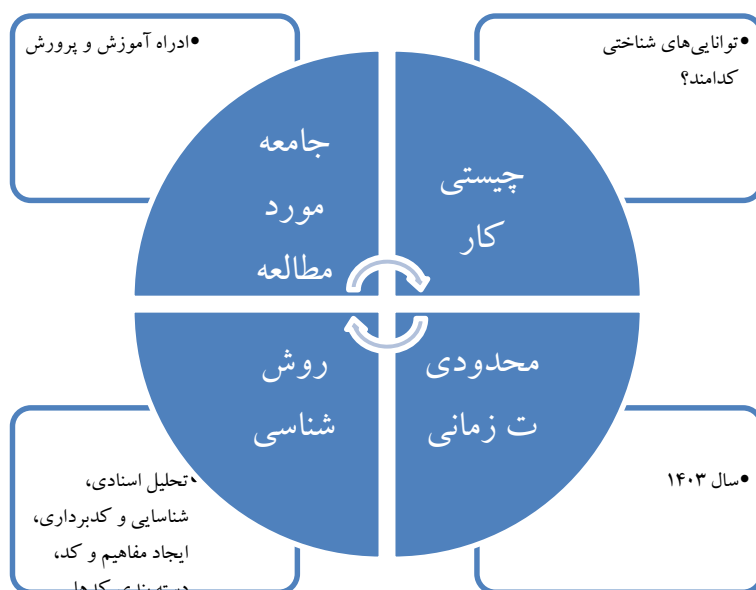
## روش‌شناسی

پژوهش حاضر با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) انجام شده است. در بخش کیفی، به منظور شناسایی و تبیین مؤلفه‌های توانایی‌های شناختی، دیدگاه‌های خبرگان حوزه آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور با ۱۵ نفر از اساتید و متخصصان این حوزه مصاحبه انجام شد و داده‌های حاصل با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قراردادی تحلیل گردید. در این مرحله، پس از کدگذاری داده‌ها و دسته‌بندی مفاهیم مشابه، مؤلفه‌های اصلی توانایی‌های شناختی استخراج و سازمان‌دهی شدند. در بخش کمی، روش پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی بود و با هدف بررسی روابط میان متغیرهای پژوهش شامل توانایی‌های شناختی، انگیزه پیشرفت و شادکامی در میان دانش‌آموزان انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود که بر اساس آمار رسمی اداره آموزش و پرورش شهر تهران تعداد آن‌ها ۶۰۳۰ نفر گزارش شده است. از میان این جامعه، نمونه‌ای شامل ۱۵۰ نفر از دانش‌آموزان دختر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد شامل پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن (EQ-i)، پرسشنامه توانایی‌های شناختی نجاتی (۱۳۹۲)، پرسشنامه انگیزه پیشرفت هارتر (HAMI) و پرسشنامه شادکامی آکسفورد استفاده شد. داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و آزمون‌های آمار استنباطی شامل همبستگی، رگرسیون و تحلیل واریانس (ANOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج این تحلیل‌ها زمینه شناخت بهتر روابط میان متغیرهای شناختی و انگیزشی دانش‌آموزان را فراهم کرده و می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تربیتی نظام آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.

## یافته‌ها

بخش کیفی این مطالعه در میان ۱۵ نفر از اساتید و خبرگان اداره آموزش و پرورش انجام شد و به منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قراردادی استفاده شد. روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی از نوع تحلیل محتواست. تحلیل محتوی روشی است که به هر گونه فن نظام یافته و عینی برای استخراج ویژگی‌های پیام دلالت می‌کند.

گام نخست: تنظیم سؤال پژوهش؛ در نگاره زیر پرسش‌های پژوهش به همراه پارامترهای مورد بررسی مشخص شده است.



شکل ۱. پارامترها و پرسش‌های تحقیق بر اساس گام نخست متد فراترکیب

گام دوم: بررسی سیستماتیک اثر؛ در این گام، تمامی متون مرتبط با اهداف تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش‌های واجد شرایط برای ورود به تحلیل فراترکیب انتخاب شدند در مطالعات فراترکیب برای گردآوری داده‌های پژوهش، داده‌های ثانویه انجام شده با متد کیفی در حوزه موضوع تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد.

گام سوم: انتخاب مقولات مناسب؛ در این مرحله محقق باید کیفیت منابع ذخیره شده بر اساس کلیدواژه‌های انتخابی توانایی‌های شناختی را ارزیابی کند.

گام چهارم: استخراج اطلاعات متون؛ در این مرحله از روش فرامطالعه‌ای کیفی (فراترکیب)؛ محقق باید با توجه به ماهیت موضوع و منابع گردآوری شده به انتخاب یکی از نه متد این روش اقدام نماید. در این تحقیق، از تحلیل محتوی به عنوان متد مورد استفاده برای استخراج اطلاعات از منابع نهایی، بهره برده شده است.

گام پنجم: تجزیه، تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی؛ در گام پنجم، پس از استخراج اطلاعات در گام قبلی بر اساس متد تحلیل محتوی به تجزیه، تحلیل و تفسیر یافته‌های کیفی حاوی مطالعات پیشین پرداخته تا تفسیری یکپارچه و نظام مندی با رویکردی نو ارائه شود (ساندلوساکی و باروساوا، ۲۰۰۷). به این ترتیب که تمامی کدهای شناسایی شده با توجه به مفاهیمی که دارند در قالب دسته‌های با مفاهیم مشابه دسته بندی میشوند. جدول زیر کدها و مقوله‌های تحقیق را با رویکرد تطبیقی را نشان می‌دهد:

جدول ۱. کدها و مقولات مولفه‌های تحقیق پس از مصاحبه

کد	توانایی شناختی	توضیح کوتاه
C1	توجه پایدار	حفظ تمرکز برای مدت زمان طولانی
C2	توجه انتخابی	انتخاب محرک‌های مهم و نادیده گرفتن محرک‌های نامربوط
C3	حافظه کاری	نگه‌داشت و پردازش هم‌زمان اطلاعات
C4	حافظه بلندمدت	ذخیره‌سازی و یادآوری اطلاعات در زمان‌های آینده
C5	سرعت پردازش	سرعت انجام عملیات ذهنی
C6	استدلال منطقی	نتیجه‌گیری بر پایه اصول منطقی
C7	استدلال انتزاعی	کار با مفاهیم غیر ملموس و روابط پیچیده
C8	حل مسئله	یافتن راه‌حل برای مسائل جدید
C9	تصمیم‌گیری	انتخاب بهترین گزینه از بین چند انتخاب
C10	انعطاف‌پذیری شناختی	توانایی تغییر دیدگاه یا راهبرد ذهنی

C11	کنترل شناختی	مهاری تکانه‌ها و تنظیم رفتارهای ذهنی
C12	برنامه‌ریزی	چیدمان گام‌های لازم برای دستیابی به هدف
C13	سازمان‌دهی	مرتب‌سازی و ساخت‌دهی اطلاعات
C14	فهم مطلب	درک روابط و معانی متن‌ها و مفاهیم
C15	تفکر انتقادی	ارزیابی صحت، اعتبار و انسجام اطلاعات
C16	تفکر خلاق	تولید ایده‌های جدید و راه‌حل‌های نو
C17	پردازش شنیداری	دریافت و تفسیر اطلاعات صوتی
C18	پردازش دیداری	تحلیل و درک اطلاعات بصری
C19	توانایی زبان‌شناختی	استفاده مؤثر از زبان برای فهم و بیان
C20	توانایی ریاضی‌شناختی	درک مفاهیم عددی، روابط و عملیات ریاضی

در ادامه با تلفیق شاخص‌ها کدهای جدید زیر استخراج می‌شود:

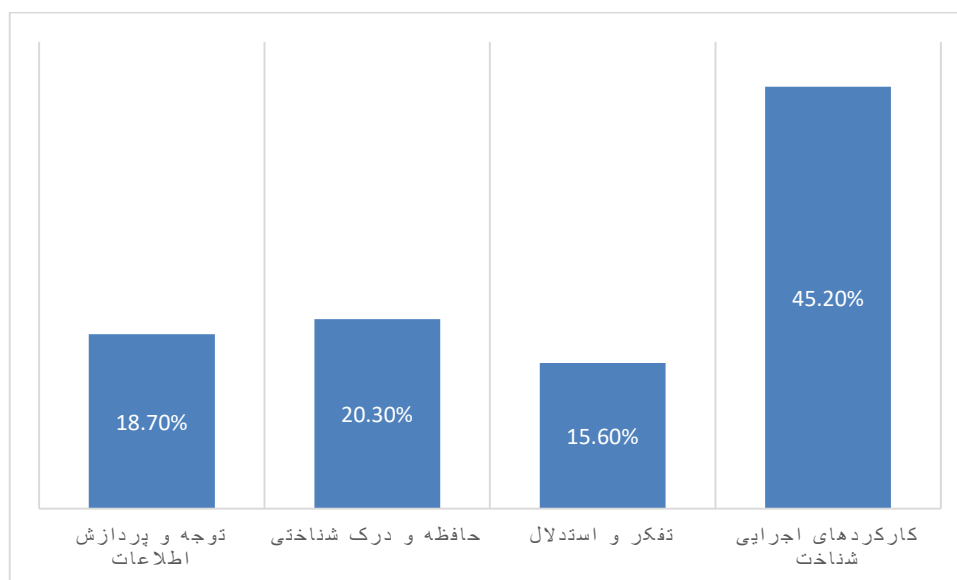
### جدول ۲. کدها و مقولات با رویکرد تطبیقی

سنجه	کد سنجه	مولفه اصلی شناختی	
توجه پایدار	C1	توجه و پردازش اطلاعات	
توجه انتخابی	C2		
سرعت پردازش اطلاعات	C3		
پردازش دیداری	C4		
پردازش شنیداری	C5	حافظه و درک شناختی	
حافظه کاری	C6		
حافظه کوتاه‌مدت	C7		
حافظه بلندمدت	C8		
درک مطلب	C9		
سازمان‌دهی اطلاعات	C10	تفکر و استدلال	
استدلال منطقی	C11		
استدلال انتزاعی	C12		
حل مسئله	C13		
تفکر انتقادی	C14		
تصمیم‌گیری	C15		
برنامه‌ریزی	C16		کارکردهای اجرایی شناخت
انعطاف‌پذیری شناختی	C17		
کنترل شناختی	C18		
تفکر خلاق	C19		
خودنظم‌دهی شناختی	C20		

نتایج تحلیل‌ها نشان داد از بین مفاهیم معرفی شده بر اساس اولویت از مهم‌ترین به ترتیب زیر اولویت بندی می‌شوند، معیار اولویت بندی در این تحقیق بر اساس فراوانی کدهای مربوطه به هر مفهوم می‌باشد نتایج نشان می‌دهد که بترتیب شاخص‌های کارکردهای اجرایی شناخت، حافظه و درک شناختی، توجه و پردازش اطلاعات و تفکر و استدلال از بیشترین و کمترین فراوانی را در بین مفاهیم استخراجی داشته است.

جدول ۳. الویت بندی مفاهیم

الویت بندی	مفاهیم	درصد فراوانی
توجه و پردازش اطلاعات	۱۲	۱۸,۷٪
حافظه و درک شناختی	۱۳	۲۰,۳٪
تفکر و استدلال	۱۰	۱۵,۶٪
کارکردهای اجرایی شناخت	۲۹	۴۵,۲٪



شکل ۲. اولویت بندی مفاهیم

نتایج آماره توصیفی نشان داد که اکثریت دانش‌آموزان در پایه دوازدهم قرار داشتند (۳۹,۵٪). بیشترین تعداد دانش‌آموزان (۴۰,۱٪) در بازه سنی ۱۷ سال قرار داشتند.

جدول ۴. نتایج آماره توصیفی برای متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار
توانایی‌های شناختی	۳۸,۹۳	۱۶,۱۲
انگیزه پیشرفت	۸۹,۹۸	۱۹,۱۰

با توجه به اینکه مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرها در محدوده استاندارد قرار دارند، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع تمامی متغیرهای تحقیق نرمال است. تمامی متغیرهای پژوهش (توانایی‌های شناختی، انگیزه پیشرفت) در سطحی متوسط یا کمی بالاتر از متوسط قرار دارند. در این تحقیق، میانگین و انحراف معیار دو متغیر "توانایی‌های شناختی" و "انگیزه پیشرفت" برای نمونه‌ای از دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه ارائه شده است. در ابتدا، اجازه دهید که به هر یک از این متغیرها و سپس تحلیل رابطه بین آن‌ها بپردازیم: میانگین توانایی‌های شناختی: ۳۸,۹۳، انحراف معیار توانایی‌های شناختی: ۱۶,۱۲. میانگین ۳۸,۹۳ نشان‌دهنده سطح متوسط توانایی‌های شناختی در این نمونه است. انحراف معیار ۱۶,۱۲ نیز نشان‌دهنده پخش نسبی قابل توجه توانایی‌های شناختی در میان افراد است. این انحراف معیار نشان می‌دهد که برخی از دانش‌آموزان ممکن است در این شاخص عملکرد خوبی داشته باشند، در حالی که برخی دیگر ممکن است ضعف‌هایی در توانایی‌های شناختی خود نشان دهند. بنابراین، پخش بالا در این داده‌ها می‌تواند به این معنی باشد که افراد مختلف در این نمونه ممکن است در توانایی‌های شناختی خود تفاوت‌های زیادی داشته باشند. میانگین انگیزه پیشرفت: ۸۹,۹۸، انحراف معیار انگیزه پیشرفت: ۱۹,۱۰. میانگین ۸۹,۹۸ برای انگیزه پیشرفت نشان‌دهنده سطح بالای انگیزه در این دانش‌آموزان است. این عدد نشان می‌دهد که بیشتر دانش‌آموزان تمایل بالایی به موفقیت تحصیلی و

دستیابی به اهداف خود دارند. همچنین، انحراف معیار ۱۹,۱۰ نشان‌دهنده پخش نسبتاً زیاد در میزان انگیزه پیشرفت است. این پخش نشان می‌دهد که در این گروه، برخی دانش‌آموزان ممکن است دارای انگیزه‌ی بسیار بالا و برخی دیگر انگیزه‌ی کمتری داشته باشند. برای تحلیل رابطه بین توانایی‌های شناختی و انگیزه پیشرفت، می‌توان به چندین جنبه توجه کرد: میانگین توانایی‌های شناختی (۳۸,۹۳) نسبت به میانگین انگیزه پیشرفت (۸۹,۹۸) تفاوت زیادی دارد. این نشان می‌دهد که در این نمونه، انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان به طور کلی بسیار بالاتر از توانایی‌های شناختی آن‌ها است. این تفاوت می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که دانش‌آموزان ممکن است دارای انگیزه قوی برای پیشرفت تحصیلی باشند، حتی اگر توانایی‌های شناختی آن‌ها به اندازه‌ای که باید برای دستیابی به اهداف تحصیلی عالی باشد، بالا نباشد. این ممکن است به این دلیل باشد که انگیزه پیشرفت تحت تأثیر عواملی غیر از توانایی‌های شناختی، مانند عوامل محیطی، اجتماعی یا فردی، قرار دارد.

انحراف معیارهای بالا برای هر دو متغیر نشان‌دهنده تنوع زیاد در داده‌ها است. به این معنی که برخی از دانش‌آموزان ممکن است در هر دو زمینه (توانایی‌های شناختی و انگیزه پیشرفت) عملکرد بالایی داشته باشند، در حالی که دیگران ممکن است عملکرد کمتری نشان دهند. این پخش زیاد ممکن است حاکی از این باشد که عوامل متعددی از جمله ویژگی‌های شخصیتی، حمایت‌های اجتماعی، تجربه‌های تحصیلی قبلی، یا حتی شرایط خانوادگی و اجتماعی می‌توانند تأثیر زیادی بر هر دو متغیر داشته باشند. برای تحلیل دقیق‌تر رابطه بین توانایی‌های شناختی و انگیزه پیشرفت، نیاز به انجام آزمون‌های آماری مانند همبستگی پیرسون یا رگرسیون خطی است تا تأثیر توانایی‌های شناختی بر انگیزه پیشرفت یا بالعکس مشخص شود. با این حال، بر اساس داده‌های موجود می‌توان به چند نکته اشاره کرد: اگرچه ممکن است در ابتدا فرض شود که بین این دو متغیر رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد (یعنی هرچه توانایی‌های شناختی بالاتر باشد، انگیزه پیشرفت نیز بیشتر خواهد بود)، اما داده‌ها نشان می‌دهند که در این نمونه ممکن است چنین رابطه‌ای به سادگی برقرار نباشد. ممکن است انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان تحت تأثیر عوامل دیگری چون ویژگی‌های شخصیتی، تأثیرات محیطی و اجتماعی، و یا انتظارات فرهنگی و خانوادگی قرار داشته باشد. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که برای درک بهتر این رابطه، نیاز به تحقیقات بیشتر و مدل‌های پیچیده‌تر آماری است. علاوه بر این، بررسی بیشتر عوامل زمینه‌ای و محیطی که می‌توانند بر هر دو متغیر تأثیر بگذارند (مثل حمایت‌های اجتماعی، شرایط اقتصادی خانواده، کیفیت آموزش، و حتی باورهای شخصی) ضروری است. بر اساس داده‌های موجود، انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان این نمونه بسیار بالاتر از توانایی‌های شناختی آن‌ها است. این می‌تواند نشان‌دهنده تأثیر عوامل غیرشناختی بر انگیزه پیشرفت باشد. انحراف معیار بالا برای هر دو متغیر نیز بر تنوع داده‌ها و وجود تفاوت‌های قابل توجه بین دانش‌آموزان تأکید می‌کند.

#### جدول ۵. بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

متغیرها	توانایی شناختی	شادکامی
توانایی شناختی	۱	۰,۴۶۹
شادکامی	۰,۴۶۹	۱

متغیر توانایی شناختی با شادکامی دیگر همبستگی مثبت و معنادار نشان داده است ( $r = 0.469$ ). در این بخش، به تحلیل ماتریس همبستگی بین دو متغیر توانایی شناختی و شادکامی پرداخته شده است. همبستگی بین توانایی شناختی و شادکامی: ۰,۴۶۹. عدد ۰,۴۶۹ که در ماتریس همبستگی به عنوان میزان همبستگی بین توانایی شناختی و شادکامی درج شده است، نشان‌دهنده یک رابطه مثبت متوسط بین این دو متغیر است. این مقدار همبستگی به طور معمول به عنوان یک همبستگی متوسط و نه بسیار قوی در نظر گرفته می‌شود، و نشان می‌دهد که هرچند بین توانایی شناختی و شادکامی رابطه‌ای وجود دارد، این رابطه به اندازه‌ای قوی نیست که بتوان از آن به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده قوی برای تغییرات دیگری در شادکامی استفاده کرد. مقدار همبستگی ۰,۴۶۹ نشان‌دهنده این است که با افزایش توانایی‌های شناختی، شادکامی نیز به طور متوسط افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، ممکن است دانش‌آموزانی که دارای توانایی‌های شناختی بالاتری هستند، از احساس شادکامی بیشتری برخوردار باشند. این می‌تواند به دلیل احساس اعتماد به نفس بیشتر در مواجهه با مشکلات تحصیلی و اجتماعی باشد. با توجه به

اینکه همبستگی ۰,۴۶۹ به عنوان یک همبستگی متوسط در نظر گرفته می‌شود، این نتیجه نشان می‌دهد که توانایی شناختی تنها یکی از عوامل موثر بر شادکامی است. به عبارت دیگر، عوامل دیگری نیز می‌توانند بر شادکامی تأثیرگذار باشند که در این تحلیل در نظر گرفته نشده‌اند. با توجه به اینکه همبستگی به ۰,۴۶۹ محدود شده است، نشان می‌دهد که شادکامی تنها تا حدودی وابسته به توانایی‌های شناختی است. بنابراین، شادکامی ممکن است تحت تأثیر عوامل دیگری مانند ویژگی‌های شخصیتی، عوامل محیطی (مثل حمایت اجتماعی، روابط خانوادگی و اجتماعی) و حتی عوامل روان‌شناختی دیگر قرار گیرد که در این تحقیق در نظر گرفته نشده‌اند. این همبستگی نمی‌تواند به ما بگوید که توانایی شناختی عامل اصلی شادکامی است، بلکه فقط نشان‌دهنده ارتباط موجود بین این دو است. اگرچه همبستگی متوسط بین این دو متغیر مشاهده می‌شود، اما برای درک بهتر این رابطه و تأثیر آن بر شادکامی و توانایی شناختی، باید تحلیل‌های آماری پیچیده‌تری انجام گیرد. برای بررسی اینکه آیا توانایی شناختی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده قابل‌اعتمادی برای شادکامی باشد یا خیر. برای بررسی سایر متغیرها و عوامل اجتماعی و روان‌شناختی بر شادکامی و توانایی شناختی. اگر رابطه مثبتی بین توانایی شناختی و شادکامی وجود دارد، برنامه‌های آموزشی که تمرکز بیشتری بر تقویت توانایی‌های شناختی دارند (مثل مهارت‌های حل مسئله، تفکر انتقادی و استراتژی‌های یادگیری)، ممکن است به افزایش شادکامی دانش‌آموزان کمک کنند. با وجود این رابطه مثبت، باید توجه کرد که شادکامی ممکن است تحت تأثیر عوامل بیشتری مانند احساس تعلق به جامعه، حمایت خانواده و دوستان، و یا حتی رضایت از زندگی تحصیلی قرار گیرد. لذا یک رویکرد جامع برای ارتقای شادکامی دانش‌آموزان ضروری است که علاوه بر توانایی‌های شناختی، به سایر جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی توجه کند. تحلیل همبستگی بین توانایی شناختی و شادکامی نشان‌دهنده یک رابطه مثبت متوسط است. این به این معنا است که دانش‌آموزانی که توانایی‌های شناختی بالاتری دارند، به طور متوسط شادکامی بیشتری را تجربه می‌کنند. با این حال، این رابطه به اندازه‌ای قوی نیست که بتوان آن را به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده قوی برای شادکامی در نظر گرفت. عوامل دیگری مانند محیط اجتماعی، روابط بین فردی، و ویژگی‌های روان‌شناختی نیز می‌توانند نقش قابل توجهی در سطح شادکامی ایفا کنند.

جدول ۶. بررسی رابطه توانایی‌های شناختی، انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
توانایی شناختی	هوش هیجانی	۷۸۵۲,۸۸۸	۷۸۵۲,۸۸۸	۸۲,۷۱۷	۰,۰۰۰	۰,۳۶۳
انگیزه پیشرفت		۷۶۹۶,۳۱۸	۷۶۹۶,۳۱۸	۱۴۹,۰۷۵	۰,۰۰۰	۰,۵۰۷

مجموع مجذورات (۷۸۵۲,۸۸۸) این مقدار نشان‌دهنده مجموع مجذورات خطا و واریانس‌های پیش‌بینی شده است. هرچه این عدد بزرگتر باشد، مدل رگرسیونی بهتر توانسته است تغییرات متغیر ملاک (توانایی شناختی) را پیش‌بینی کند. میانگین مجذورات (۷۸۵۲,۸۸۸): میانگین مجذورات در اینجا به همان مجموع مجذورات اشاره دارد، زیرا این مدل تنها یک متغیر پیش‌بین (هوش هیجانی) دارد. F (۸۲,۷۱۷): مقدار F معیاری از قدرت مدل رگرسیونی است که نشان می‌دهد مدل رگرسیون به طور کلی چقدر توانسته است تغییرات در متغیر ملاک (توانایی شناختی) را توضیح دهد. این مقدار بسیار بالاست، که نشان‌دهنده این است که مدل معنادار است و می‌تواند تفاوت‌ها در توانایی شناختی را به طور قابل توجهی پیش‌بینی کند. سطح معناداری (۰,۰۰۰): سطح معناداری یا p-value برابر با ۰,۰۰۰ بسیار کمتر از ۰,۰۵ است، که نشان می‌دهد تأثیر هوش هیجانی بر توانایی شناختی از نظر آماری معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که هوش هیجانی تأثیر قابل توجهی بر توانایی شناختی دارد. مجذور اتا (۰,۳۶۳) این مقدار نمایانگر اندازه اثر است که نشان می‌دهد چه میزان از واریانس توانایی شناختی توسط متغیر پیش‌بین (هوش هیجانی) توضیح داده می‌شود. در اینجا، ۳۶,۳ درصد از واریانس توانایی شناختی به وسیله هوش هیجانی قابل توضیح است که نشان‌دهنده یک تأثیر معنادار ولی متوسط است.

مجموع مجذورات (۷۶۹۶,۳۱۸) مشابه مدل اول، این مقدار نشان‌دهنده مجموع واریانس پیش‌بینی شده است. این عدد نشان می‌دهد که مدل چقدر موفق به پیش‌بینی انگیزه پیشرفت شده است. میانگین مجذورات (۷۶۹۶,۳۱۸): این مقدار مشابه مجموع مجذورات است و نشان‌دهنده

میانگین واریانس‌ها در مدل است.  $F(149, 0.75)$  این مقدار  $F$  به مراتب بزرگتر از  $F$  مربوط به مدل قبلی است، که نشان‌دهنده مدل رگرسیونی بسیار قوی‌تر برای پیش‌بینی انگیزه پیشرفت است. مقدار بالای  $F$  نشان می‌دهد که مدل رگرسیون برای انگیزه پیشرفت بسیار معنادار است و تفاوت‌ها در انگیزه پیشرفت به خوبی توسط مدل توضیح داده می‌شود. سطح معناداری ( $0, 000$ ): همان‌طور که در مدل قبلی نیز مشاهده شد، سطح معناداری  $0, 000$  به این معناست که رابطه میان هوش هیجانی و انگیزه پیشرفت از نظر آماری معنادار است. به عبارت دیگر، تغییرات انگیزه پیشرفت به طور معناداری تحت تأثیر هوش هیجانی قرار دارد.

مجذور اتا ( $0, 507$ ) مقدار مجذور اتا برای انگیزه پیشرفت برابر با  $0, 507$  است که نشان‌دهنده تأثیر قوی‌تر هوش هیجانی بر انگیزه پیشرفت در مقایسه با توانایی شناختی است. به عبارت دیگر،  $50,7$  درصد از واریانس انگیزه پیشرفت توسط هوش هیجانی توضیح داده می‌شود که به مراتب بیشتر از توانایی شناختی است. این نشان‌دهنده تأثیر نسبتاً قوی‌تر هوش هیجانی بر انگیزه پیشرفت است. هوش هیجانی بر هر دو متغیر توانایی شناختی و انگیزه پیشرفت تأثیر معناداری دارد. این نتیجه بر اساس مقادیر  $F$  بالا و سطح معناداری پایین ( $0, 000$ ) تأیید می‌شود. مدل رگرسیونی برای انگیزه پیشرفت با مقدار  $F$  بسیار بالاتر ( $149, 0.75$ ) و مجذور اتا بیشتر ( $0, 507$ ) نشان می‌دهد که هوش هیجانی تأثیر قوی‌تری بر انگیزه پیشرفت دارد تا توانایی شناختی. در مقابل، تأثیر هوش هیجانی بر توانایی شناختی با  $F$  برابر  $82, 717$  و مجذور اتا  $0, 363$  نشان‌دهنده تأثیر متوسط است. هوش هیجانی قادر است  $36,3$  درصد از واریانس توانایی شناختی و  $50,7$  درصد از واریانس انگیزه پیشرفت را توضیح دهد. این نشان‌دهنده اهمیت ویژه هوش هیجانی در پیش‌بینی انگیزه پیشرفت است.

جدول ۷. بررسی رابطه توانایی‌های شناختی، انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	معناداری	مجذور اتا
هوش هیجانی	درونی	459/2453	217/169	217/169	0.000/0	539/0
هوش هیجانی	بیرونی	954/1458	267/101	267/101	0.000/0	411/0

نتایج نشان می‌دهند که هوش هیجانی توانایی توضیح  $53,9\%$  از تغییرات در انگیزه پیشرفت درونی دانش‌آموزان را دارد. این نشان‌دهنده تأثیر بسیار قوی هوش هیجانی بر انگیزه‌های درونی است. دانش‌آموزانی که هوش هیجانی بالاتری دارند، احتمالاً انگیزه بیشتری برای پیشرفت و دستیابی به اهداف شخصی خود دارند.

هوش هیجانی توانایی توضیح  $41,1\%$  از تغییرات در انگیزه پیشرفت بیرونی را دارد. این نتایج نشان می‌دهد که هوش هیجانی نیز بر انگیزه‌های بیرونی دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد، اما این تأثیر نسبت به انگیزه‌های درونی کمتر است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، هوش هیجانی تأثیر معناداری بر هر دو نوع انگیزه پیشرفت (درونی و بیرونی) در دانش‌آموزان دارد. بالاترین تأثیر بر انگیزه پیشرفت درونی مشاهده شده است، که نشان می‌دهد تقویت هوش هیجانی می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی انگیزه‌های درونی دانش‌آموزان را افزایش دهد.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های توانایی‌های شناختی و تبیین نقش هوش هیجانی در انگیزه پیشرفت و شادکامی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه انجام شد. یافته‌های بخش کیفی نشان داد که توانایی‌های شناختی در چهار مؤلفه اصلی شامل توجه و پردازش اطلاعات، حافظه و درک شناختی، تفکر و استدلال و کارکردهای اجرایی شناخت قابل‌دسته‌بندی هستند. در میان این مؤلفه‌ها، کارکردهای اجرایی شناخت از بیشترین فراوانی برخوردار بود. این یافته نشان می‌دهد که مهارت‌هایی مانند برنامه‌ریزی، کنترل شناختی، انعطاف‌پذیری ذهنی و خودنظم‌دهی نقش محوری در موفقیت تحصیلی و سازگاری آموزشی دانش‌آموزان دارند. این نتیجه با دیدگاه‌های شناختی جدید همسو است که تأکید می‌کنند عملکرد تحصیلی صرفاً متکی بر حافظه یا توانایی یادگیری نیست، بلکه مهارت‌های اجرایی شناخت نقش مهم‌تری در هدایت رفتار تحصیلی و مدیریت فرایند یادگیری دارند (Barreiro, 2023; Sargent, 2022). همچنین، یافته حاضر با نتایج پژوهش زارع زردینی و

دهقانی اشکذری همخوانی دارد که نشان دادند توانایی‌های شناختی با باورهای انگیزشی و نگرش مثبت نسبت به یادگیری ارتباط معنادار دارد (Zare Zardini & Dehghani Ashkezari, 2022).

نتایج بخش کمی پژوهش نشان داد که میان توانایی‌های شناختی و شادکامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر آن است که دانش‌آموزانی که از توانایی شناختی بیشتری برخوردارند، احساس رضایت و شادمانی بیشتری را نیز تجربه می‌کنند. این موضوع را می‌توان از منظر روان‌شناسی شناختی و هیجانی تبیین کرد؛ زیرا افرادی که توانایی بیشتری در پردازش اطلاعات، حل مسئله و مدیریت موقعیت‌های دشوار دارند، در مواجهه با چالش‌های تحصیلی و اجتماعی کارآمدتر عمل می‌کنند و در نتیجه فشار روانی و اضطراب کمتری را تجربه خواهند کرد. این احساس کارآمدی و تسلط شناختی می‌تواند به افزایش احساس رضایت از زندگی و شادکامی منجر شود. یافته حاضر با نتایج پژوهش‌های قهرمانی و همکاران، پوراگرامی و زعیمنیا همسو است که رابطه مثبت میان هوش هیجانی، سازگاری اجتماعی و شادکامی را گزارش کردند (Ghahramani et al., 2019; Pourakrami, 2018; Zaeimnia, 2023). همچنین، نورالدینی و همکاران نشان دادند آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌تواند شادکامی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان را افزایش دهد (Nouraldini et al., 2019). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که توانایی‌های شناختی و هیجانی در کنار یکدیگر بستر روان‌شناختی لازم برای تجربه شادکامی را فراهم می‌کنند.

از دیگر یافته‌های مهم پژوهش حاضر، نقش معنادار هوش هیجانی در پیش‌بینی توانایی‌های شناختی بود. نتایج نشان داد که هوش هیجانی توانست بخش قابل توجهی از واریانس توانایی‌های شناختی را تبیین کند. این یافته نشان می‌دهد که فرایندهای هیجانی و شناختی به صورت مجزا عمل نمی‌کنند، بلکه ارتباطی متقابل و پویا با یکدیگر دارند. دانش‌آموزانی که توانایی بیشتری در شناخت و مدیریت هیجان‌های خود دارند، معمولاً تمرکز بهتر، حافظه فعال قوی‌تر و توانایی بیشتری در حل مسئله و تصمیم‌گیری از خود نشان می‌دهند. این موضوع را می‌توان با این استدلال توضیح داد که مدیریت مؤثر هیجان‌ها باعث کاهش اضطراب، افزایش تمرکز و بهبود فرایندهای ذهنی می‌شود. یافته حاضر با نتایج پژوهش‌های مافی و همکاران، فاداهونسی و همکاران و علیزاده و همکاران همسو است که نقش هوش هیجانی را در شکل‌گیری پیامدهای تحصیلی و عملکرد آموزشی تأیید کرده‌اند (Alizadeh et al., 2025; Fadahunsi et al., 2025; Mafi et al., 2025). همچنین، مک‌کان و همکاران در فراتحلیل خود نشان دادند که هوش هیجانی به‌طور معناداری عملکرد تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند و در کنار توانایی‌های شناختی می‌تواند موجب موفقیت آموزشی شود (MacCann et al., 2020).

یافته دیگر پژوهش نشان داد که هوش هیجانی تأثیر معنادار و نسبتاً قوی بر انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان دارد. این تأثیر در انگیزه پیشرفت درونی بیشتر از انگیزه پیشرفت بیرونی بود. این نتیجه حاکی از آن است که دانش‌آموزانی که مهارت بیشتری در مدیریت هیجان‌ها و برقراری روابط اجتماعی دارند، بیشتر از انگیزش درونی برای دستیابی به موفقیت برخوردارند و فعالیت‌های تحصیلی را نه صرفاً برای دریافت پاداش‌های بیرونی، بلکه به دلیل علاقه و احساس رشد فردی دنبال می‌کنند. از منظر نظریه خودتعیین‌گری، انگیزش درونی زمانی تقویت می‌شود که فرد احساس شایستگی، خودمختاری و تعلق اجتماعی داشته باشد. هوش هیجانی می‌تواند با افزایش احساس خودکارآمدی و بهبود روابط اجتماعی این نیازهای روان‌شناختی را تأمین کند و در نتیجه انگیزه پیشرفت درونی را افزایش دهد. این یافته با نتایج پژوهش آریاس و همکاران، صبور اسماعیلی و همکاران و عرافه و همکاران همسو است (Arafah et al., 2020; Arias et al., 2022; Sabour Esmaeili et al., 2023). صبور اسماعیلی و همکاران نشان دادند که انگیزه پیشرفت نقش میانجی در رابطه بین هوش هیجانی و عملکرد تحصیلی دارد و دانش‌آموزانی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند، انگیزه بیشتری برای دستیابی به موفقیت تحصیلی نشان می‌دهند (Sabour Esmaeili et al., 2023).

نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد که کارکردهای اجرایی شناخت بیشترین سهم را در میان مؤلفه‌های توانایی شناختی دارند. این نتیجه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا در سال‌های اخیر پژوهشگران بر نقش مهارت‌های اجرایی شناخت در موفقیت تحصیلی، خودتنظیمی و حل مسئله تأکید کرده‌اند. مهارت‌هایی مانند برنامه‌ریزی، کنترل تکانه، انعطاف‌پذیری ذهنی و سازمان‌دهی اطلاعات به دانش‌آموزان کمک

می‌کنند تا فعالیت‌های تحصیلی خود را هدفمندتر دنبال کنند و در مواجهه با مشکلات آموزشی راهبردهای مؤثرتری اتخاذ نمایند. این یافته با پژوهش قنبری و داداشی حاجی همسو است که نشان داد آموزش فراشناخت می‌تواند انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانشجویان را بهبود بخشد (Ghanbari & Dadashi Haji, 2024). از سوی دیگر، نظریه ذهنیت رشد دوئک نیز بیان می‌کند که نگرش افراد نسبت به توانایی‌های خود می‌تواند بر میزان تلاش، پایداری و موفقیت آنان اثرگذار باشد (Dweck, 2006). دانش‌آموزانی که باور دارند توانایی‌های آنان قابل رشد و توسعه است، در مواجهه با دشواری‌ها تلاش بیشتری نشان می‌دهند و از راهبردهای شناختی مؤثرتری استفاده می‌کنند. یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد که عوامل هیجانی و اجتماعی در کنار عوامل شناختی بر انگیزه و شادکامی دانش‌آموزان اثرگذارند. این نتیجه با پژوهش فانی و غریبی همخوانی دارد که نقش تعامل مثبت معلم و دانش‌آموز و سلامت روان را در افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی تأیید کردند (Fani & Gharibi, 2024). همچنین، آذرخوش و همکاران نشان دادند که شادکامی، انگیزه پیشرفت و هوش اجتماعی در دانش‌آموزان خانواده‌های چندفرزند بیشتر از دانش‌آموزان تک‌فرزند است (Azarkhosh et al., 2022). این نتایج نشان می‌دهد که محیط خانوادگی، تعاملات اجتماعی و کیفیت روابط بین‌فردی می‌توانند در شکل‌گیری انگیزه، شادکامی و عملکرد شناختی نقش مهمی داشته باشند. در واقع، توانایی‌های شناختی و هیجانی در بستری اجتماعی رشد می‌کنند و کیفیت روابط فرد با خانواده، معلمان و همسالان می‌تواند این فرایند را تسهیل یا تضعیف کند.

از منظر کاربردی، نتایج این پژوهش اهمیت توجه هم‌زمان به مهارت‌های شناختی و هیجانی را در نظام آموزشی نشان می‌دهد. بسیاری از برنامه‌های آموزشی مدارس بر انتقال دانش و حافظه‌محوری متمرکز هستند، در حالی که یافته‌های حاضر نشان می‌دهد موفقیت تحصیلی و شادکامی دانش‌آموزان نیازمند تقویت مهارت‌هایی همچون خودتنظیمی، مدیریت هیجان‌ها، تفکر انتقادی و انگیزش درونی است. در این زمینه، آموزش مهارت‌های هوش هیجانی می‌تواند به کاهش اضطراب، افزایش تمرکز و ارتقای انگیزه تحصیلی کمک کند. پژوهش مودنی زواره نیز نشان داد که هوش هیجانی نقش مهمی در کاهش اضطراب و حرکت به سوی شادکامی دانش‌آموزان دارد (Moazzeni Zavareh, 2023). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ارتقای مهارت‌های هیجانی در مدارس نه تنها موجب بهبود عملکرد تحصیلی می‌شود، بلکه سلامت روان و کیفیت زندگی دانش‌آموزان را نیز ارتقا می‌دهد.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که توانایی‌های شناختی، هوش هیجانی، انگیزه پیشرفت و شادکامی سازه‌هایی مرتبط و متعامل هستند که در کنار یکدیگر نقش مهمی در موفقیت تحصیلی و رشد روان‌شناختی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. هوش هیجانی به‌عنوان یک عامل کلیدی می‌تواند از طریق تقویت توانایی‌های شناختی و افزایش انگیزش درونی، زمینه بهبود عملکرد تحصیلی و افزایش شادکامی را فراهم کند. همچنین، کارکردهای اجرایی شناخت به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه توانایی شناختی، نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت رفتار تحصیلی و سازگاری آموزشی دانش‌آموزان دارد. بر این اساس، توجه به ابعاد شناختی و هیجانی به‌صورت هم‌زمان می‌تواند رویکردی مؤثر برای ارتقای کیفیت آموزش و سلامت روان دانش‌آموزان باشد.

با وجود یافته‌های ارزشمند پژوهش حاضر، این مطالعه با محدودیت‌هایی همراه بود که باید در تفسیر نتایج مورد توجه قرار گیرد. نخست، جامعه آماری پژوهش تنها شامل دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر تهران بود و این موضوع ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج به دانش‌آموزان پسر یا سایر مناطق جغرافیایی را محدود کند. دوم، در بخش کمی پژوهش از ابزارهای خودگزارشی استفاده شد که احتمال سوگیری پاسخ‌دهی و تأثیر تمایل پاسخ‌دهندگان به ارائه تصویری مطلوب از خود را افزایش می‌دهد. همچنین، پژوهش حاضر به‌صورت مقطعی انجام شد و امکان بررسی تغییرات متغیرها در طول زمان وجود نداشت. افزون بر این، برخی عوامل زمینه‌ای مانند وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، سبک فرزندپروری و کیفیت محیط آموزشی که می‌توانند بر متغیرهای پژوهش اثرگذار باشند، در این مطالعه کنترل نشدند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، بررسی این متغیرها در میان دانش‌آموزان پسر و در شهرها و فرهنگ‌های مختلف انجام شود تا امکان مقایسه و تعمیم‌پذیری بیشتر نتایج فراهم گردد. همچنین، استفاده از طرح‌های طولی می‌تواند درک دقیق‌تری از روند تغییرات هوش هیجانی،

توانایی‌های شناختی و انگیزه پیشرفت در طول دوران تحصیل ارائه دهد. پیشنهاد دیگر، طراحی و ارزیابی مداخلات آموزشی مبتنی بر آموزش مهارت‌های هیجانی و کارکردهای اجرایی شناخت و بررسی اثربخشی آن‌ها بر عملکرد تحصیلی و سلامت روان دانش‌آموزان است. افزون بر این، بررسی نقش متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر مانند خودکارآمدی، تاب‌آوری تحصیلی، سبک‌های یادگیری و حمایت اجتماعی می‌تواند به توسعه مدل‌های جامع‌تر در حوزه روان‌شناسی تربیتی کمک کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود مدارس و نظام آموزشی برنامه‌هایی را برای آموزش مهارت‌های هوش هیجانی، مدیریت هیجان‌ها و تقویت کارکردهای اجرایی شناخت طراحی و اجرا کنند. معلمان می‌توانند با استفاده از روش‌های تدریس فعال مانند حل مسئله، یادگیری مشارکتی و آموزش مبتنی بر پروژه، زمینه رشد مهارت‌های شناختی و انگیزش درونی دانش‌آموزان را فراهم سازند. همچنین، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین و معلمان در زمینه نحوه تقویت شادکامی، انگیزه پیشرفت و مهارت‌های هیجانی دانش‌آموزان می‌تواند به بهبود کیفیت روابط آموزشی و خانوادگی کمک کند. استفاده از خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی در مدارس نیز می‌تواند در شناسایی دانش‌آموزان دارای مشکلات هیجانی یا شناختی و ارائه مداخلات حمایتی مؤثر نقش مهمی ایفا نماید.

## مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## تشکر و قدردانی

پژوهشگران از تمامی شرکت‌کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر کمک نمودند نهایت قدردانی و سپاس را دارند.

## شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

## حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## چکیده گسترده

## EXTENDED ABSTRACT

### Introduction

In contemporary educational systems, academic success is no longer viewed solely as the outcome of intellectual ability or cognitive performance. Researchers increasingly emphasize the importance of psychological, emotional, and motivational factors in shaping students' academic achievement, well-being, and overall development. Among these variables, cognitive abilities, emotional intelligence, achievement motivation, and happiness have attracted substantial scholarly attention due to their influential roles in students' educational and psychological adjustment. Adolescence, particularly the upper-secondary school period, represents a critical developmental stage in which students experience major cognitive, emotional, and social transformations. During this period, students encounter academic pressure, identity formation challenges, and interpersonal demands that can significantly influence their learning processes and psychological functioning (Liu, 2025; Mafi et al., 2025).

Cognitive abilities refer to a set of mental processes that enable individuals to perceive, process, organize, and utilize information effectively. These abilities include attention, memory, reasoning, problem-solving, decision-making, and executive functions. Students with stronger cognitive abilities are generally more capable of analyzing information, understanding complex concepts, and adapting to educational demands. Previous studies have shown that cognitive abilities are positively associated with academic achievement and learning efficiency (Barreiro, 2023; Sargent, 2022). Furthermore, cognitive abilities contribute to students' motivational beliefs and self-confidence in educational settings. Zare Zardini and Dehghani Ashkezari demonstrated that cognitive abilities were positively related to motivational beliefs among students in mathematics education (Zare Zardini & Dehghani Ashkezari, 2022).

Achievement motivation is another important psychological construct that plays a central role in students' educational success. It reflects an individual's desire to achieve goals, overcome obstacles, and attain standards of excellence. Students with high achievement motivation usually demonstrate greater persistence, effort, and engagement in academic activities. According to Dweck's mindset theory, students who believe that their abilities can develop through effort and learning are more likely to demonstrate adaptive motivational patterns and persistence in the face of challenges (Dweck, 2006). Similarly, Biabangard reported a significant relationship between achievement motivation, self-esteem, and academic achievement among high school students (Biabangard, 2005). These findings suggest that motivational processes are deeply interconnected with cognitive and emotional functioning.

In recent years, emotional intelligence has emerged as one of the most influential predictors of academic and psychological outcomes. Emotional intelligence refers to the ability to recognize, understand, regulate, and manage one's own emotions as well as the emotions of others. Individuals with high emotional intelligence tend to demonstrate stronger interpersonal relationships, better emotional regulation, and more adaptive coping strategies. Research evidence consistently indicates that emotional intelligence contributes positively to academic achievement, psychological well-being, and social adjustment (MacCann et al., 2020; Suleman et al., 2019). MacCann et al.'s meta-analysis confirmed that emotional intelligence significantly predicts academic performance across educational contexts (MacCann et al., 2020). Likewise, Fadahunsi et al. reported that emotional intelligence had a substantial effect on biology achievement among senior secondary school students (Fadahunsi et al., 2025). Alizadeh et al. also found a positive relationship between emotional intelligence and academic achievement among rehabilitation students in Iran (Alizadeh et al., 2025).

Emotional intelligence is also closely linked to achievement motivation. Students who possess effective emotional management skills are generally more resilient in facing academic difficulties and more motivated to pursue educational goals. Arias et al. found a positive and significant relationship between emotional intelligence and academic motivation among primary school students (Arias et al., 2022). Similarly, Sabour Esmaeili et al. demonstrated that achievement motivation mediated the relationship between emotional intelligence and academic performance among female vocational students (Sabour Esmaeili et al., 2023).

Moreover, Liu highlighted the importance of emotional intelligence and growth mindset in enhancing academic buoyancy and psychological resilience among university students (Liu, 2025).

Happiness, as an indicator of psychological well-being and life satisfaction, has also become an important topic in educational psychology. Happy students are more likely to exhibit positive attitudes toward learning, maintain constructive social relationships, and cope effectively with academic stressors. Previous studies have revealed positive relationships between happiness, emotional intelligence, and academic achievement (Ghahramani et al., 2019; Pourakrami, 2018). Ghahramani et al. reported that emotional intelligence was positively associated with happiness among medical students (Ghahramani et al., 2019). Likewise, Zaeimnia found that students with higher emotional intelligence experienced greater levels of happiness (Zaeimnia, 2023). Furthermore, Nouraldini et al. demonstrated that teaching emotional intelligence components significantly enhanced happiness and academic achievement among nursing students (Nouraldini et al., 2019).

Research also suggests that emotional and cognitive processes interact dynamically. Ghaffari and Karimi emphasized the role of cognitive emotion regulation in psychological functioning and burnout (Ghaffari & Karimi, 2021). Similarly, Arafah et al. highlighted the importance of self-concept and self-efficacy in shaping achievement motivation and educational outcomes (Arafah et al., 2020). Environmental and social factors also contribute significantly to students' motivation and psychological well-being. Fani and Gharibi demonstrated that teacher-student interaction and mental health positively influenced achievement motivation among female upper-secondary students (Fani & Gharibi, 2024). Additionally, Azarkhosh et al. reported differences in happiness, achievement motivation, and social intelligence between single-child and multi-child students (Azarkhosh et al., 2022). Emami Moayedi also highlighted the relationship between interpersonal skills, self-esteem, and academic achievement among adolescents (Emami Moayedi, 2013).

Despite the growing body of literature, few studies have simultaneously investigated cognitive abilities, emotional intelligence, achievement motivation, and happiness within an integrated framework, particularly among upper-secondary school students. Moreover, many previous studies have relied exclusively on quantitative methods and have paid limited attention to the qualitative dimensions of cognitive abilities. Therefore, the present study aimed to identify the components of cognitive abilities and explain the role of emotional intelligence in achievement motivation and happiness among upper-secondary school students using a mixed-methods approach.

### **Methods and Materials**

The present study employed an exploratory sequential mixed-methods design consisting of qualitative and quantitative phases. In the qualitative phase, semi-structured interviews were conducted with 15 educational experts and specialists to identify and conceptualize the major components of cognitive abilities among students. Participants were selected purposively based on their expertise in educational sciences and psychology. The qualitative data were analyzed using conventional qualitative content analysis. Through systematic coding and categorization, initial concepts and themes were extracted and organized into broader cognitive dimensions.

The quantitative phase adopted a descriptive-correlational design. The statistical population consisted of all female upper-secondary school students in Tehran during the 2023–2024 academic year, totaling 6,030 students. Using cluster random sampling, 150 students were selected as the study sample. Data collection instruments included the Bar-On Emotional Intelligence Questionnaire (EQ-i), Nejati's Cognitive Abilities Questionnaire, Harter's Achievement Motivation Questionnaire, and the Oxford Happiness Questionnaire.

Descriptive statistics, Pearson correlation coefficients, regression analyses, and analysis of variance (ANOVA) were used for data analysis in SPSS software. The analyses aimed to examine the relationships among emotional intelligence, cognitive abilities, achievement motivation, and happiness.

## Findings

The qualitative findings resulted in the extraction of 20 initial codes related to cognitive abilities. These codes were categorized into four major dimensions: attention and information processing, memory and cognitive comprehension, thinking and reasoning, and cognitive executive functions. Among these categories, cognitive executive functions demonstrated the highest frequency and importance. Components such as planning, cognitive flexibility, self-regulation, organization, and cognitive control emerged as the most prominent indicators of students' cognitive abilities.

Descriptive findings indicated that the majority of students were in the twelfth grade, and most participants were 17 years old. The mean score for cognitive abilities was 38.93 with a standard deviation of 16.12, while the mean score for achievement motivation was 89.98 with a standard deviation of 19.10. The skewness and kurtosis values indicated that all variables were normally distributed.

Pearson correlation analysis demonstrated a positive and significant relationship between cognitive abilities and happiness ( $r = 0.469$ ,  $p < 0.01$ ). This finding indicated that students with stronger cognitive abilities tended to experience higher levels of happiness and psychological well-being.

Regression analyses revealed that emotional intelligence significantly predicted cognitive abilities and achievement motivation. Emotional intelligence explained 36.3% of the variance in cognitive abilities ( $\eta^2 = 0.363$ ), indicating a moderate but meaningful effect. The regression model for achievement motivation demonstrated an even stronger effect, with emotional intelligence explaining 50.7% of the variance in achievement motivation ( $\eta^2 = 0.507$ ).

Further analyses showed that emotional intelligence had a stronger influence on intrinsic achievement motivation ( $\eta^2 = 0.539$ ) compared to extrinsic achievement motivation ( $\eta^2 = 0.411$ ). These findings suggest that emotionally intelligent students are more likely to engage in academic activities due to internal interest, personal growth, and self-development rather than external rewards or pressures.

The findings also indicated that emotional intelligence significantly predicted happiness among students. Students with higher emotional intelligence demonstrated better emotional regulation, stronger social interactions, and greater psychological well-being.

## Discussion and Conclusion

The findings of the present study demonstrated that cognitive abilities, emotional intelligence, achievement motivation, and happiness are closely interconnected psychological constructs that collectively contribute to students' academic and psychological development. The qualitative findings highlighted the central role of cognitive executive functions in students' learning processes and educational adjustment. Skills such as planning, self-regulation, flexibility, and cognitive control appeared to be essential for successful academic functioning.

The quantitative findings further revealed that emotional intelligence plays a substantial role in shaping cognitive and motivational outcomes among students. Students with higher emotional intelligence demonstrated stronger cognitive abilities, greater achievement motivation, and higher levels of happiness. These findings suggest that emotional processes and cognitive functioning operate interactively rather than independently. Effective emotional regulation may reduce anxiety, improve concentration, and facilitate problem-solving and decision-making abilities, thereby enhancing academic functioning.

The stronger effect of emotional intelligence on intrinsic achievement motivation is particularly noteworthy. Students with better emotional awareness and regulation may experience greater internal satisfaction from learning and academic engagement. Such students are more likely to pursue educational goals due to personal interest, competence, and self-improvement rather than external pressures. This finding highlights the importance of fostering emotional and motivational competencies within educational environments.

The positive relationship between cognitive abilities and happiness also indicates that students who possess effective cognitive skills may experience greater self-confidence, academic competence, and psychological well-being. These students may cope more successfully with educational challenges and social demands, leading to increased life satisfaction and emotional balance.

Overall, the findings emphasize the necessity of integrating cognitive and emotional development within educational systems. Traditional educational approaches often focus primarily on academic knowledge and memory-based learning while neglecting emotional competencies and executive cognitive skills. The present findings suggest that schools should prioritize the development of emotional intelligence, self-regulation, critical thinking, and problem-solving skills alongside academic instruction.

Educational programs that strengthen emotional intelligence and cognitive executive functions may improve students' motivation, happiness, academic performance, and psychological health. Teachers and school counselors can play a significant role by creating supportive learning environments, encouraging emotional awareness, and implementing instructional methods that promote active learning and self-regulation. Ultimately, attention to both emotional and cognitive dimensions may contribute to more adaptive, motivated, and psychologically healthy students.

فهرست منابع

## References

- Alizadeh, M., Rostami, F., Mortazavi, Z., Naderifar, H., Jormand, H., & Mortazavi, S. S. (2025). Emotional intelligence and academic achievement relationship in Students of Rehabilitation Faculty of Hamadan University of Medical Sciences in Iran. *Horizon of Medical Education Development*. <https://doi.org/10.22038/hmed.2025.85176.1470>
- Arafah, K., Arafah, A. N. B., & Arafah, B. (2020). Self-concept and self-efficacy's role in achievement motivation and physics learning outcomes. *Opción: Revista de Ciencias Humanas y Sociales*(27), 95.
- Arias, J., Soto-Carballo, J. G., & Pino-Juste, M. R. (2022). Emotional intelligence and academic motivation in primary school students. *Psicología: Reflexão e Crítica*, 35, 14.
- Azarkhosh, F., Bagheri, A., & Hormozi, S. (2022). Comparing happiness, achievement motivation, and social intelligence among male upper-secondary students from single-child and multi-child families in Arak. First National Conference on New Developments in Evolutionary and Educational Psychology, Bandar Abbas.
- Barreiro, O. M. (2023). Cognitive ability, emotional intelligence, and their impact on academic performance. *Journal of Management and Innovation*, 8(1).
- Biabangard, E. (2005). The relationship between self-esteem, achievement motivation, and academic achievement among high school students in Tehran. *Psychological studies*, 1(4), 131-144.
- Dweck, C. S. (2006). *Mindset: The New Psychology of Success*. Random House.
- Emami Moayed, S. Z. (2013). Examining the relationship of self-esteem and interpersonal skills with academic achievement among second-year high school students of Shahed Girls' High School and Mirza Kuchak Khan Boys' High School in Rasht during 2013-2014. Tenth National Conference on Positive Psychology News, Bandar Abbas.
- Fadahunsi, J. A., Abdullahi, A. H., Sunday, A. O., & Stephen, M. (2025). Effect of Emotional Intelligence on Academic Achievement of Senior Secondary School Students in Biology in Wukari Metropolis. *International. J. Of. Educ. Manag. Technol.*, 3(2), 592-610. <https://doi.org/10.58578/ijemt.v3i2.5940>
- Fani, S., & Gharibi, P. (2024). The relationship between teacher-student interaction and academic achievement motivation with the mediating role of mental health among female upper-secondary students in District 1 of Tabriz. Seventh International Conference and Eighth National Conference on New Findings in Management, Psychology, and Accounting, Tehran.
- Ghaffari, S., & Karimi, M. (2021). The role of cognitive emotion regulation and alexithymia in job burnout among public library librarians of Semnan Province in 2020. *Information Management Sciences and Techniques Quarterly*, 7(1).
- Ghahramani, S., Jahromi, A. T., Khoshsoroor, D., Seifooripour, R., & Sepehrpoor, M. (2019). The relationship between emotional intelligence and happiness in medical students. *Korean Journal of Medical Education*, 31(1), 29.

- Ghanbari, V., & Dadashi Haji, M. (2024). Examining the effectiveness of metacognition training on achievement motivation and academic performance among students. *Strategic Management Attitude Quarterly*, 2(3).
- Liu, Y. (2025). Psychological Resources for Academic Buoyancy: The Roles of Growth Mindset and Emotional Intelligence in Chinese University Students. *Frontiers in psychology*, 16. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1580929>
- MacCann, C., Jiang, Y., Brown, L. E., Double, K. S., Bucich, M., & Minbashian, A. (2020). Emotional intelligence predicts academic performance: A meta-analysis. *Psychological bulletin*, 146(2), 150.
- Mafi, S., Tajvar, N., & Jalalvand, S. (2025). The Role of Emotional Intelligence, Academic Burnout, and Alexithymia in Shaping Academic Outcomes for Dental Students. <https://doi.org/10.21203/rs.3.rs-6376846/v1>
- Moazzeni Zavareh, M. H. (2023). The role of emotional intelligence in reducing anxiety and moving toward happiness among students. Fifteenth National Conference on Management and Humanities Research in Iran, Tehran.
- Nouraldini, A., Sanagou, A., & Majidnia, M. (2019). The effect of teaching emotional intelligence components on increasing happiness and academic achievement among nursing students. *Nursing Education*, 8(5), 47-54.
- Pourakrami, B. (2018). Examining the relationship between emotional intelligence and social adjustment with happiness among female secondary school students. Fourth National Conference on Community Empowerment in the Field of Humanities and Management Studies, Tehran.
- Sabour Esmaeili, N., Momtaz Eslami, V., Haji Arbabi, F., & Moniri, M. (2023). The mediating role of achievement motivation in the relationship between emotional intelligence and academic performance among female technical and vocational high school students. *Journal of Explorations in Management*, 2(1).
- Sargent, M. J. (2022). The influence of cognitive ability and emotional intelligence on academic performance.
- Suleman, Q., Hussain, I., Syed, M. A., Parveen, R., Lodhi, I. S., & Mahmood, Z. (2019). Association between emotional intelligence and academic success among undergraduates: A cross-sectional study in KUST, Pakistan. *PLoS One*, 14(7), e0219468.
- Zaeimnia, M. (2023). *The relationship between emotional intelligence and level of happiness among students Islamic Azad University, Urmia Branch*.
- Zare Zardini, A., & Dehghani Ashkezari, M. M. (2022). Examining the relationship between cognitive abilities and students' motivational beliefs in mathematics in lower secondary schools of Yazd. Ninth Scientific-Research Conference on the Development and Promotion of Management and Accounting Sciences in Iran, Tehran.